

مبانی نظری و عملی بیمه آسیب زیست محیطی (قسمت دوم)

مترجم: مجید ذوالقدر

الف - بیمه اجباری

مقدمه

باید به دقت ریسکی را که مقصر اصلی به عنوان استراتژی "بزن و در رو" [مقصود حالتی است که شخص سبب خسارت می شود و از آن شانه خالی می کند] انتخاب می کند و بدون توجه به مسئولیت خود اقدام به ایجاد آلودگی می کند دقیقاً بررسی شود، زیرا بیمه گر در صورت اعسار به موجب قانون مسئولیت نمی تواند وی را تحت پیگرد قرار دهد. بیمه مسئولیت اجباری قانونی روشی متداول جهت حمایت از زیان دیده است [۵۲]. با مکلف شدن

در مبحث اول گفتیم که مکانیزم جدید بیمه آسیب زیست محیطی آلمان و بیمه مسئولیت سنتی، هیچ کدام مسئله عدم توانگری را حل نمی کنند. از این رو باید مسائل کلی تری مورد بررسی قرار گیرند، بنابراین باید اول منبع تضمین مالی برای خسارت زیست محیطی مشخص شود. به علاوه، دریافتیم که در آینده، به ویژه در بازار هلند بیمه آسیب زیست محیطی جدیدی ظهور کرده که باعث کم رنگ تر شدن سایر بیمه های مسئولیت زیست محیطی شده است. این مسئله سئوالاتی را در مورد اهمیت رقابت در بازار بر می انگیزد.

مقصر احتمالی به خرید بیمه مسئولیت، زیان‌دیده از خطر عدم توانگری وی در امان می ماند [۵۳]. همان‌طور که گفتیم اقتصاددانان نیز می‌خواهند با کاهش زیان‌دهی ریسک در بیمه مسئولیت، منافع بیمه‌گذاران را حفظ کنند. حال آنکه، دغدغه و کلا بیشتر حفظ منافع زیان‌دیده می‌باشد. البته این دیدگاه‌های متفاوت ضرورتاً با یکدیگر تناقض ندارند. چنانچه هر دو می‌توانند در جهت ارائه بیمه مسئولیت مؤثر واقع شوند. حال سؤال این است که در چه شرایطی باید خرید بیمه اجباری شود.

مباحث اقتصادی

الف - افزایش مطلوبیت مورد نظر

با رجوع به اصل مطلوب عملیات بیمه‌ای می‌توان پاسخ این سؤال را داد. [۵۴] اصولاً نمی‌توان گفت که بیمه به واسطه این که ریسک شخص ریسک‌گریز را به خود منتقل می‌کند و مطلوبیت او را بیشتر می‌کند، مفید است. چون این مطلوبیت آن قدر زیاد نیست که متضمن ارائه بیمه مسئولیت اجباری باشد. مشکل اینجاست که درجه ریسک‌گریزی اشخاص متفاوت است. مثلاً کارخانه عظیم راکفلر به واسطه از دست دادن هزار دلار به مشکلی بر نمی‌خورد و انگیزه‌ای برای ریسک‌گریزی آن ندارد. اما از دست دادن این مبلغ برای یک خانواده کم درآمد معضل بزرگی است. نتیجه این که احتمالاً یک پدر

کم درآمد تمایل بیشتری به بیمه ریسک از دست دادن هزار دلار دارد تا کارخانه راکفلر. این مثال نشان می‌دهد که الزام به خرید بیمه به تنهایی کافی نیست، چون افراد را ملزم به خرید بیمه مسئولیتی می‌کند که تمایلی به آن ندارند و مطلوبیت مورد انتظار آن‌ها را افزایش نمی‌دهد. در نتیجه تعمیم بیمه اجباری موجب زیان اجتماعی می‌شود. البته این امر بستگی به تعداد افسرادی دارد که با الزام به خرید بیمه متضرر می‌شوند و با توجه به این که عده‌ای یقیناً از بیمه منتفع می‌شوند، تشدید می‌شود. به هر حال این مسئله ذاتاً نیاز به خرید بیمه اجباری را توجیه نمی‌کند. به این معنی که مادامی که فرض کنیم همه افراد از خطرهای فرا رویشان مطلع باشند و پوشش بیمه‌ای نیز در دسترس باشد این واقعیت که بیمه مطلوبیت را افزایش می‌دهد، نمی‌تواند ارائه بیمه اجباری را توجیه کند. فرض بر این است که بیمه در هر شرایطی برای طرف‌های مسئول مفید است. زیرا این واقعیت را نادیده می‌گیرد که در بحث تئوری، بیمه شده برای انتقال ریسک باید بهای آن را پردازد. این بها بسیار بیشتر از حق بیمه منصفانه و آماری است که شامل ضرب احتمال در میزان خسارت می‌باشد. با توجه به کارآیی بیمه‌گر، یک میزان کم یا زیاد هزینه‌های سربار، اضافه شده و

بسته به میزان تمرکز بر بازار و نیز یک حاشیه سود، قابل اضافه شدن است. به علاوه مالیات ها نیز میزان حق بیمه را بالا می برند و نشان دادیم که اگر در مورد ریسک تردید وجود داشته باشد بیمه گر باید این تردید را با حق بیمه اضافی جبران کند. در مجموع حق بیمه می تواند بسیار بیشتر از حق بیمه منصفانه و آماري باشد. بیمه اجباري معمولاً این مسئله را که تقاضا برای بیمه می تواند با توجه به وضعیت ریسک و نیز وضعیت مالی هر فرد متفاوت باشد را نادیده می گیرد. در صورت تساوی دیگر موارد دلیلی برای دخالت قانونی صرفاً بر اساس این که بیمه مطلوبیت مورد انتظار را افزایش می دهد، وجود ندارد. عیب دخالت قانونی این است که مسبوق بر تقاضای طرف های مسئول است. با این وجود فرض می شود که افراد به بیمه دسترسی داشته و به دنبال آن یک تصمیم صحیح اخذ می کند. اگر این فرض درست نباشد دوباره این سؤال مطرح است که آیا بیمه باید اجباری شود؟

ب - مشکلات اطلاعاتی

این گونه مشکلات اطلاعاتی در صورتی ایجاد می شوند که فرد مسئول نتواند ارزیابی دقیقی از خطری که در معرض آن بوده و نیز مزایای خرید بیمه نامه انجام دهد. دست کم گرفتن ریسک منجر به تصمیم گیری غلط یعنی عدم خرید بیمه مسئولیت

می شود. قانون گذار می تواند این کمبود اطلاعاتی را با الزام به خرید بیمه حل کند. این شکل از عدم آگاهی، توجیهی برای الزام به خرید بیمه مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه است، چون ممکن است برای مثال یک راننده اتومبیل مزایای بیمه را دست کم بگیرد. اگر هیچ مشکل اطلاعاتی در بین نباشد و قانون گذار به این دلیل که بیمه وسایل نقلیه بیشترین مطلوب را برای بیمه شده دارد، الزام به خرید بیمه را مطرح کند، به حاکمیت محض منجر می شود. حال اگر شواهد تجربی وجود داشته باشد که بیشتر آلوده کنندگان نسبت به هزینه های خسارت زیست محیطی بی اهمیت هستند و ممکن است خودشان موجب این گونه خسارت ها شوند، به ناچار باید برای جبران این تعهدات منابع مالی هنگفتی پس انداز کنند. در چنین شرایطی اگر آلوده کنندگان به واسطه کمبود آگاهی خسارت های زیست محیطی را دست کم بگیرند نقش بیمه اجباری پر رنگ تر خواهد شد. اما مجدداً باید گفت که بحث بیمه بر اساس تشابه اطلاعاتی صرفاً به این واقعیت ربط دارد که مقصر مزایای بالقوه بیمه را دست کم می گیرد. با این حال سؤال این است که چرا وقتی مقصر به واسطه عدم آگاهی اقدام به خرید بیمه نمی کند مورد راهنمایی قرار نمی گیرد. این بحث به ریسک عدم توانگری که در مقدمه به آن اشاره شد بر می گردد.

ج - عدم توانگری

دلیل دیگر برای طرح بیمه اجباری که اغلب توسط وکلا مطرح می شود، موضوع عدم توانگری است. چرا که معمولاً وسعت آسیب وارده خارج از توان مالی مقصر بوده و جبران خسارت برای وی غیرممکن است. از این رو وکلا معتقدند که بیمه اجباری تضمینی مؤثر برای جبران خسارت زیان دیده است. این بحث توجیهی، می تواند بر حوضه بیمه مسئولیت زیست محیطی نیز تأثیر بگذارد. اگر مقصر برای رفع مسئولیت خود دلیل قابل قبولی داشته باشد و در نتیجه واحد آلوده شده ای بدون پوشش بماند زیان های وارده به جامعه منتقل می شود. همچنین عدم توانگری تأخیر را در پی داشته که البته از طریق بیمه حل می شود و عدم توانگری موجب امتناع از اخذ پوشش کامل می شود، به طوری که اگر آسیب مورد انتظار به اموال مقصر بسیار زیاد باشد، مقصر فقط انگیزه خرید بیمه تا میزان دارایی خودش را خواهد داشت چرا که در جریان دعوی فقط در معرض ریسک از دست دادن اموال خودش قرار می گیرد و بنابراین مسئله اثباتی، [مقصود اثبات قضایی است] منجر به کم بیمه شدگی و در نتیجه عدم ممانعت از اخذ پوشش کامل می شود.

"جاست" به درستی به این مورد اشاره کرده که در شرایط عدم توانگری بیمه اجباری می تواند نتایج

امیدوارکننده ای در پی داشته باشد [۵۵] و با مکلف کردن افراد به خرید بیمه به میزان زیان مورد انتظارشان نتایج مطلوب تری به بار آورد. در حالت دوم ریسک فقط این است که حداکثر اموال مقصر از دست برود و وقتی وی مجبور به خرید بیمه شود بیمه گر با در نظر گرفتن تعهد کامل مقصر، می تواند بر رفتار او نظارت کند. بیمه گر می تواند با استفاده از ابزار سنتی بر خطرهای اخلاقی نظارت کرده و از انجام مراقبت ضروری که مقصر برای جلوگیری از وقوع حادثه ای وسیع باید انجام دهد، مطمئن شود. در نتیجه "جاست" و اسکاف می گویند که در صورت حذف صحیح خطرات اخلاقی، بیمه اجباری می تواند نتایج بهتری نسبت به مسائل اثباتی ارائه کند. شاید این یکی از دلایلی باشد که ارائه بیمه اجباری وسایط نقلیه را توجیه می کند. رانندگان فاقد بیمه و ورشکسته که در صورت وقوع حادثه سهم خسارت خود را ناچیز می شمارند انگیزه ای برای جلوگیری از حادثه ندارند. بیمه گران نیز ترجیحاً باید این گونه ریسک ها را کنترل کرده و مقصر را با تهدید به ایجاد محدودیت بیمه ای به حفاظت از مسورد بیمه وادار کنند. به این ترتیب می توان الزام بیمه گر به ارائه بیمه به واحد اقتصادی را توجیه کرد. این بحث نشان می دهد که عدم توانگری موجب می شود که مقصرین ریسک خود

کند و در صورت وجود شرایط خاصی معضل کم بیمه شدگی ریسک راحل کند. در اینجا باید پرسید آیا بیمه مسئولیت اجباری بهترین گزینه برای حل عدم توانگری است؟ هرچند در زمینه بیمه مسئولیت به راه حل بیمه اجباری اشاره می شود، اما گزینه های دیگری نیز وجود دارد. اولین گزینه بازگشت به بیمه شخص اول به جای بیمه مسئولیت شخص ثالث است. در مجموع می توان گفت از نظر تئوری بیمه اجباری می تواند راهکار مناسبی برای عدم توانگری باشد، اما لزوماً نباید از نوع مسئولیت باشد، بلکه می تواند بیمه شخص اول یا مستقیم باشد.

خطرهای بالقوه بیمه اجباری

الف - خطرهای اخلاقی

پس از بررسی سه معیار اساسی برای بیمه اجباری، دو مورد دیگر را نیز باید مدنظر قرار داد. اول این که بیمه همیشه در معرض خطرهای اخلاقی است، یعنی اگر یک قانون گذار بخواهد بیمه را اجباری کند، نباید امکانات بیمه گر را جهت کنترل خطرهای اخلاقی محدود کند. هر چند که بیمه اجباری بیشتر از آن که کارساز باشد، مشکل زا است. در واقع بیمه کردن به صورت اجباری غالباً معادل کل مبلغ مسئولیت بوده و تعیین فرانشیز مجاز نیست. از این روکل ریسک به بیمه گر منتقل می شود و در نتیجه

را به بیمه منتقل کنند. بدون تعیین ذخایر مالی، هزینه های فوق به جامعه تحمیل شده و به جای این که توسط مقصر جبران شود به جامعه منتقل می شود. در صورتی که بیمه گر بتواند رفتار بیمه شده را کنترل کند می تواند این خسارت ها را از مقصرین تأمین کند. به طوری که در بالا اشاره شد وقتی در مورد نحوه عملکرد ریسک در بیمه مسئولیت زیست محیطی بحث می کنیم، بیمه گر می تواند شرایط بیمه ای مناسب و حق بیمه ای مکفی تعیین کند یعنی اگر خطرات اخلاقی حل شود، پوشش بیمه ای شرایط بازدارندگی بهتری به نسبت شرایط بدون پوشش بیمه ای و عدم توانگری ارائه می کند. البته این بحث در صورتی به نفع بیمه اجباری خواهد بود که متکی بر فرضیه ها و شرایطی باشد که قابل بحث و بررسی است و خطرهای اخلاقی مانند قبل کنترل شده و نیز بیمه گران انگیزه کافی برای این کنترل را داشته باشند. البته رقابتی بودن بازار بیمه نیز اهمیت دارد اما واضح است که هم از نظر قانونی و هم از نظر اقتصادی عدم توانگری مقصر یک معضل بالقوه است چون می تواند منجر به عدم خرید پوشش بیمه ای کامل شده و در نتیجه خسارت به صورت ناقص جبران می گردد. لذا بیمه اجباری می تواند راه حلی برای این دو معضل باشد چون می تواند خسارت کامل زیان دیده را جبران

تنها ابزار موجود در دست بیمه گر برای کنترل خطرهای اخلاقی نظارت بر بیمه شده است. اگر پذیریم که این مسئله برای بیمه گر مشکل ساز یا هزینه بر است، پس ارائه بیمه مسئولیت اجباری مشکلات اساسی ایجاد خواهد کرد، به طوری که "شاول" می گوید، اگر خطرهای اخلاقی قابل کنترل نباشد تنها مانع قانونی درمورد بیمه باید محدود کردن بیمه مسئولیت باشد [۵۶]. به هر حال در صورت غیرقابل کنترل بودن خطرهای اخلاقی الزام به بیمه اجباری مشکل زاست.

ب - تمرکز بر بازارهای بیمه

مسئله دیگر اینست که ما تا به حال فرض کرده ایم که بازارهای بیمه کاملاً رقابتی بوده و به این ترتیب حق بیمه ها و شرایط بیمه نامه ها کاملاً مطابق با نیاز بیمه شده بوده و رفتار بیمه شده از لحاظ خطرهای اخلاقی ایده آل است. اما در عمل بازارهای بیمه با محدودیت های بسیاری مواجه هستند. برای مثال: اگر حق بیمه ها به صورت انحصاری وصول شود، بیمه گر انگیزه چندانی برای اختصاص بخشی از حق بیمه جهت بررسی رفتار بیمه گذار نداشته و در نتیجه نظارتی بر خطرهای اخلاقی وجود نخواهد داشت.

از نظر قانونی نیز به نظر می رسد اجباری کردن بیمه در بازارهای بیمه ای متمرکز مشکلات بسیاری به وجود می آورد. در این صورت اجباری شدن

خرید بیمه به ناکارآمدی بازارهای بیمه ای دامن می زند. تئوری نفع گروهی دولت نیز می تواند گویای این باشد که چرا بیمه گران تمایل به تبلیغ به نفع بیمه مسئولیت اجباری دارند. اگر بیمه گران از این طریق بیمه گذار را به طور انحصاری جذب کنند بازار را در دست می گیرند و سعی می کنند هر فردی را مجبور به خرید بیمه نامه کنند. این تحریم قانونی خیل عظیم متقاضیان بیمه را به سوی شرکت های بیمه سرازیر می کند، اما در عمل حداقل در مورد ریسک زیست محیطی بیمه گران هرگز اشتیاقی به این کار ندارند. "کاسی" می گوید حقیقت آن است که از نظر قانونی بیمه گر در بیمه اجباری نمی تواند علیه ذینفع بیمه ادعایی بکند. به علاوه اجرای واقعی تعهدات بیمه اجباری نیز برای وی مشکلات فراوانی دارد. [۵۷]

چند نکته درباره آینده

الف - وابستگی به بازار بیمه

روش های جدید و خطرهای بالقوه بیان شده نشان می دهد که اگرچه از نظر تئوری مکانیزم بیمه اجباری برای مسئولیت زیست محیطی به ویژه برای حل مشکلات اطلاعاتی و ریسک کم بیمه شدگی در نتیجه عدم توانگری ایده آل باشد، اما باید در توصیه به الزام بیمه اجباری آسیب های زیست محیطی، احتیاط کرد. دلایل این احتیاط عبارتند از:

قانون گذار باید بداند که به مجرد الزام به بیمه اجباری، بیمه گر موظف به ارائه پوشش بیمه ای است. ارائه بیمه بستگی به تمایل بازار خاص بیمه ای دارد، زیرا این بازار بیمه است که در نهایت تصمیم می گیرد ریسک خاصی را بیمه کند یا نه. الزام به بیمه از طرف قانون گذار در نهایت شرایط نامطلوبی را برای بیمه گر ایجاد می کند، تا جایی که وی را از ارائه پوشش مذکور منصرف می کند.

برای مکلف نمودن بیمه گر به ارائه پوشش بیمه ای وجود یک اعتماد قوی بین قانون گذار و بازار بیمه ضروری است. این مسئله منجر به ایجاد مشکلات قانون مسئولیت زیست محیطی سال ۱۹۹۰ در آلمان شد (Umweltholtungsges)، به طوری که مثلاً یک متولی عملیات نصب را که می تواند آسیب زیادی وارد کند، موظف به خرید بیمه مسئولیت کرده یا تضمین های مالی قابل قبولی ارائه می کند. [۵۸] باید توجه داشت که شرط انجام یک فعالیت بزرگ تجاری با وجود در دسترس بودن و ابتیاع پوشش بیمه ای مورد نیاز تعهدات بیمه ای صورت می گیرد که این امر از نظر قانونی قابل قبول نبوده [۵۹] و در واقع بیمه گر را مبدل به یک پلیس زیست محیطی می کند. [۶۰] به علاوه مشکلات عملیاتی را نیز در پی خواهد داشت.

فرض کنید بیمه گری در شرایط بیمه نامه

عدم مطابقت با مقررات بیمه اجباری دولتی را مستثنی کند. این امر به طوری که قبلاً بیان شد، می تواند ابزاری مؤثر برای کنترل خطرهای اخلاقی محسوب شود. با این وجود اگر در بیمه اجباری حادثه ای رخ دهد، بیمه گذار نمی تواند در مقابل ذینفع بیمه نامه مسئولیت شخص ثالث، به مورد استثنا استناد کند. واضح است که در قرارداد بیمه اجباری اقامه دعوی علیه شخص ثالث قابل طرح نیست و بیمه گر محکوم به جبران خسارت زیان دیده می شود و فقط در صورتی حق قانونی و قراردادی برای ادعای خسارت از بیمه شده را دارد که بیمه شده ورشکسته نشده باشد. این یکی از دلایلی است که چرا بیمه گران تمایلی به بیمه اجباری ندارند.

ب - ضرورت همکاری بیمه گران

ممکن است این مشکلات با تشریک مساعی بیمه گذاران و جامعه بیمه گران حل شود و بیمه گران نوید قابل بیمه بودن آسیب های زیست محیطی را به آنها بدهند. با این حال تجربه نشان داده که اطلاعات تهیه شده بیمه گران در مورد قابل بیمه بودن یک ریسک خاص، همیشه قابل اطمینان نیستند. به نظر می رسد نوعی همیاری در این رابطه لازم است. وادار کردن به ارائه بیمه بدون هیچ نوع تشریک مساعی (که آلمان نمونه ای از آن است) منجر به این نتیجه فاجعه بار می شود که دولت،

صنعت بیمه را وادار به ارائه پوشش بیمه معینی می کند که بازار تمایلی به پذیرفتن مفاد چنین پوشش بیمه ای ندارد. با این حال، همکاری تنگاتنگ بین بیمه گران (که معمولاً از طریق یک انجمن بیمه گری حاصل می شود) و دولت فقط ریسک تمرکز بر بازار بیمه را افزایش می دهد.

ج - بیمه مسئولیت زیست محیطی در حال رشد

بیمه گذار باید در نظر داشته باشد که پوشش بیمه ای برای آسیب های زیست محیطی هنوز یک رشته نوپا است. اگر یک پیشنهاد تفکیک شده قراردادهای بیمه ای محدود وجود داشته باشد دوباره این سؤال پیش می آید که آیا ارائه بیمه اجباری فقط برای بخش محدودی (یا فاقد فضای رقابتی لازم) از بازارهای بیمه ای خصوصی توجیه منطقی دارد؟ البته دسترسی محدود به پوشش بیمه ریسک زیست محیطی امروزه ناشی از مشکل انتخاب نامساعد است، چون پاسخگویی به تقاضای بسیاری از شرکت های کوچک برای بیمه کردن یک ریسک در حال گسترش (از طریق قانون اعداد بزرگ) ممکن نیست [61]. به علاوه فقط ریسک های بد باید پوشش داده شوند و مسئله انتخاب نامساعد نیز از این جا ناشی می شود. از این رو می توان گفت که این مسئله را می توان با وادار کردن کلیه

آلوده کنندگان و ریسک های خوب وبد به اخذ پوشش بیمه حل نمود. با این حال به نظر می رسد که حل مشکل دسترسی محدود ریسک های زیست محیطی به بیمه که به واسطه وجود مشکلات زیاد در بیمه شدن می باشد به این راحتی امکان پذیر نیست. واقعیت این است که تفکیک ریسک در بیمه زیست محیطی در اروپا هنوز به درستی شکل نگرفته و برای تعیین رابطه صحیح بین قرارداد و شرایط حق بیمه با اطمینان شرکت ها از شرایط زیست محیطی نیاز به امکانات بسیار بیشتری است. از این رو این سؤال مطرح است که آیا امروزه شرکت های بیمه آن طور که باید قادر به تفکیک ریسک های زیست محیطی هستند که کنترل خطرهای اخلاقی در بازارهای بیمه رقابتی به بهترین شکل انجام پذیرد؟ مسلماً نمی توان تنها با بیمه اجباری این مشکلات را حل کرد.

د - الزام به پذیرش

صحیح نیست بگوییم اگر بازارهای بیمه از ارائه پوشش مناسب امتناع بورزند، قانون گذار نه تنها باید صنعت بیمه را وادار به ارائه پوشش کند، بلکه شرکت های بیمه نیز باید آن را بپذیرند. با این وجود الزام به پذیرش صنایع معینی به عنوان بیمه گذار با توجه به اهمیت کنترل مؤثر خطرهای اخلاقی بسیار خطرناک است.

یکی از ابزارهای مهم بیمه گران برای کنترل این خطرها نظارت بر ریسک در ابتدای کار است. این کار امکان تسهیل تصمیم گیری در مورد برخی ریسک های خاص و خطرناک را فراهم می کند. بیمه گر در صورتی می تواند کنترل ایده آل بر خطرهای اخلاقی مورد بیمه داشته باشد که بتواند آزادانه در موارد بیمه ای بالقوه خطرناک ولسی بی خطر تصمیم گیری کند. اجبار به پذیرش برخی ریسک ها به بیمه گر، با اصول بیمه منافات دارد و باید ابتدا شرایط لازم برای بیمه در بازار فراهم شود.

ه - توصیه های تخصصی

به دنبال این موارد بحث هایی جهت ارائه طرح بیمه اجباری با توجه به کمبود های اطلاعاتی احتمالی و ریسک کم بیمه شدگی ناشی از عدم توانگری وجود دارد. با این حال از نظر تئوریکسی باید به خطرهایی از جمله این حقیقت که بیمه گران جواز انجام فعالیت هایی را می دهند که باعث زیان زیست محیطی می شود. این کار نباید از طریق الزام به پذیرش انجام شود، چون خطرهای اخلاقی غیرقابل حلی را ایجاد می کند. باید جهت ارائه یک طرح قانون مند و مناسب برای خرید پوشش بیمه ای همه این ملاحظات در نظر گرفته شود.

از بحث بیمه اجباری این نتیجه مهم را می توان گرفت که اگر چه از نظر تئوری الزام

بیمه گر به پذیرش ریسک اهمیت دارد، اما یافتن روشی قابل انعطاف که به وسیله آن مقامات رسمی صادرکننده مجوز بتوانند در موارد خاص تصمیم گیری کنند اهمیت بیشتری دارد. چنین روشی که به واسطه آن تصمیم گیری برای تعیین شکل و میزان تعهد مالی به عهده مقامات رسمی گذاشته می شود انعطاف پذیرتر و کم خطرتر از ریسک یک روش تعمیم یافته بیمه مسئولیت اجباری است. یادآوری می شود که این اصل که مسئولیت باید از طریق نوعی بیمه مالی (نه ضرورتاً بیمه) تحت پوشش قرار گیرد، باید به صورت قانون درآید. پس از آن مقامات باید با در نظر گرفتن زیان مورد انتظار مبلغ مذکور را تعیین کنند. (این کار امکان تفریق و تفکیک را فراهم می کند) و باید تعیین کنند که آیا بیمه مالی پیشنهادی طرف مسئول جهت جبران تعهدات مالی وی کافی است یا نه؟ مثال قانون زیست محیطی الزام بیمه اجباری را مشروط بر این که دارنده مجوز فعالیت مشخص ملزم به ارائه یک ذخیره مالی برای تضمین تعهدات خاص مطابق با آن فعالیت گسردد، پذیرفت. اگر فرض بر این باشد که ریسک خاصی موجب عدم توانگری می شود پس باید مسئولیت را با نوعی تعهد ترکیب کرد. اما: ۱- نوع امنیت مالی تعیین شده نباید محدود به یک موضوع خاص شود.

۲- کفایت آن برای مثال به وسیله مقامات رسمی که می توانند امنیت مالی را به عنوان شرطی برای مجوز درخواست کنند قابل ارزیابی باشد. ۳- مقامات مذکور میزان امنیت مالی درخواستی را مورد به مورد تعیین کنند. ۴- یقیناً نباید اجباری برای پذیرش ریسک توسط بیمه گران در بین باشد چون بر خطرات اخلاقی اثرات منفی دارد. ۵- مقامات رسمی که این وظایف را به واسطه امنیت مالی تحمیل می کنند باید بدانند انواع مختلف تضمین مالی در بازارهای مالی و بیمه ای وجود دارد. ۶- مطابق با فرضیه های کمیسیون بین دانشگاهی فلمیش ریجن شواهد تجربی وجود دارد که نشان می دهد چنین تعهد متوازن و تعدیل شده برای ارائه امنیت مالی در شرایط محدود به خوبی جواب می دهد.

نتیجه گیری

در این مقاله از یک طرف برخی مشکلات شناخته شده در زمینه بیمه ریسک زیست محیطی را بررسی کردیم و از طرف دیگر یک محصول جدید بیمه آسیب زیست محیطی که اخیراً در آلمان ارائه شده را دقیقاً مورد بحث قرار دادیم، همچنین به مشکلات پذیرش آن در دیگر کشورها اشاره کردیم. دلیل توجه بسیار به این محصول جدید به عنوان بیمه آن است که بیمه گران معتقدند بسیاری از مشکلاتی که

هنگام بیمه کردن ریسک زیست محیطی به وجود می آید مربوط به مسئولیت زیست محیطی است. به بیان دیگر آنها معتقدند در صورتی که ریسک بر اساس شخص اول بیمه شود، بهتر قابل بیمه است و در نتیجه بسیاری از مشکلات مرتفع شده و یا حداقل آن قدر کاهش می یابد که بتوان آن را پوشش داد.

بیمه گران هلندی از نظر تئوری، این عقیده جرج پرایست در سال ۱۹۸۷ را پذیرفته اند که بحران بیمه مسئولیت ایالات متحده برخاسته از تغییر نگرش این کشور از بیمه شخص اول به بیمه شخص ثالث بوده و چاره کار بازگشت به بیمه شخص اول است. به هر حال به نظر می رسد الگوی شخص اول راه مناسبی جهت حل مشکلات مسئولیت است، اما فقط برای حل مشکل قابلیت بیمه شدن ریسک و نه مشکل تفکیک ریسک. هرچند در واقع بیمه شخص اول در مقایسه با بیمه مسئولیت سنتی، تفکیک ریسک بهتری ارائه می کند اما واضح است که همیشه یک تفکیک ریسک مناسب برای خطرهای اخلاقی و انتخاب نامساعد چاره ساز بوده است. با این حال دیگر مسائل راجع به بیمه ریسک زیست محیطی مانند ظرفیت محدود حمایتی هنگام وقوع فجایع زیست محیطی، تغییر فصول، تهدیدهای ناشی از فعالیت های صنعتی

و نحوه اجرای قوانین مسئولیت متقابل بی جواب خواهد ماند. همچنین بیمه شخص اول نیاز به شرایط علی و معلولی (یعنی باید ثابت شود که حادثه در نتیجه ریسک بیمه شده به وقوع پیوست است) داشته و مشکل مسئولیت متقابل که خصوصیت بلند مدت بدون ریسک زیست محیطی است با ارائه پوشش خسارتی از طریق بیمه شخص ثالث و یا شخص اول (حداقل تا حدودی) قابل رفع شدن است.

بیمه گران هلندی با این ادعا که اکنون توان و کیفیت مدیریت و قابل پیش بینی بودن ریسک افزایش یافته ، بیمه آسیب زیست محیطی خود را ارائه کرده اند. آنها معتقدند که کنترل و پیش بینی آسیب بالقوه یک واحد خاص بسیار آسان تر از پیش بینی احتمال مسئول شناخته شدن واحدی جهت پرداخت خسارت به شخص ثالث است. گرچه اشتیاق بیمه گران قابل درک است (چون آنها در بیمه شخص اول برای خسارت های وارده به خودشان نیز پوشش خواهند داشت)، اما معایبی نیز متصور می باشد. این معایب ابداً به این مسئله که بیمه آسیب زیست محیطی یک محصول بیمه ای مناسب است ربطی ندارد، بلکه به خاطر این است که ارائه این محصول جدید منجر به حذف بیمه مسئولیت ریسک زیست محیطی می شود. در نتیجه ممکن است خسارت برخی قربانیان جبران نشود،

حداقل در مورد آنهایی که پوشش بیمه ای شخص ثالث نداشته باشند و مقصر توان پرداخت خسارت را نداشته باشد. منظور از بررسی این یافته طرح این سؤال عمومی است که چرا نباید برای تضمین پوشش مالی ریسک زیست محیطی متولی مشخصی وجود داشته باشد؟ در بحث ریسک عدم توانگری گفتیم که بروز مشکل کم بیمه شدگی را می توان با ارائه برخی تعهدات برای تهیه تضمین مالی حل کرد. با این حال چنین تضمین مالی ضرورتاً نباید بیمه مسئولیت باشد. بیمه آسیب زیست محیطی در این رابطه می تواند مجدداً نقش خود را ایفا کند، اما در هر صورت مقامات رسمی باید با تعیین وظیفه ای ویژه در شرایط اعطای مجوز، به این شکل که نوع تضمین پیشنهادی باید واقعاً برای پوشش آسیب های زیست محیطی که ممکن است به واسطه صدور آن مجوز خاص به وجود آید ، از صدور صحیح آن اطمینان یابد.

به علاوه، بیمه آسیب زیست محیطی که در بازار بیمه هلند به عنوان یک بیمه نامه استاندارد ارائه گردید نگرانی هایی را نیز موجب شد. همکاری بین بیمه گران در هلند آن قدر به هم نزدیک است که گرچه بیمه نامه استاندارد رسماً فقط یک توصیه محسوب می شود، اما در عمل مانع از دسترسی متقاضیان به پوشش ریسک مسئولیت می شود. این

مؤسسات مالی حمایتی" مسئولیت زیست محیطی،
۲۰۰۰، ۶۱

۵۴- آرو، کی، "جنبه های تئوری تحمل ریسک"،
هلیسنیکی، یوریو جانسونین، ساتیر. ۱۹۹۵ بورچ .
کی. " مفهوم کاربردی سودمندی در تئوری بیمه"
بولتن آستین، ۱۹۶۱، ۲۵۵-۲۴۵؛ " بورچ، کی.
پیشرفت های اخیر در تئوری اقتصادی و کاربرد آنها
در بیمه" بولتن آستین، ۱۹۶۳، ۳۴۱-۳۲۲ و پیترت،
جی " انحراف ریسک کوچک و بزرگ"
آلونوموشیا. ۱۳۶، ۱۹۶۴-۱۲۲

۵۵- جاست، پی، جی، " مسئولیت محدود و
تقاضای خرید بیمه" و بررسی بین المللی قانون و
اقتصاد، ۱۹۹۶-۲۷۶-۲۵۹. اخیراً گفتمانی مشابه
توسط پولبورن، ام طرح شد. " بیمه اجباری و
معضل" و بررسی بین المللی قانون و اقتصاد، ۱۹۹۸،
۱۴۶-۱۴۱ و توسط استاف جی، " بیمه اجباری:
بررسی هزینه های تعاملی بیمه" در بوکارت، بی و
دی گیست، جی (eds)، دایره العارف قانون و
اقتصاد، چلتهام، ادوارد الگار، ۲۰۰۰-۵۲۱-۵۳۷.
همچنین اسکاف اشاره کرد که بیمه اجباری می تواند
از هزینه های معاملاتی بکاهد.

۵۶- شاول، اس، " قضاوت در مورد اثبات
مشکلات" و بررسی بین المللی قانون و اقتصاد،
۱۹۸۶، ۴۳-۵۸.

مثال نشان می دهد که محدودیت های رقابتی در
بازار بیمه می تواند موجب محدود شدن تنوع
محصول و در نتیجه به خطر افتادن قابل بیمه شدن
ریسک زیست محیطی گردد. این امر نشان می دهد
که یک بیمه نامه رقابتی مؤثر برای تضمین اینکه
انواع مختلف بیمه نامه های کارآمد برای ریسک
زیست محیطی در بازار وجود داشته باشد چقدر
اهمیت دارد. هرچند که تغییرات مورد بحث در
هلند می تواند بیشتر از این که قابل بیمه بودن ریسک
زیست محیطی را افزایش دهد، موجب کاهش آن
شود.

توضیحات:

۵۲- بیمه اجباری مسئولیت زیست محیطی توسط
بسیاری دانشمندان از جمله جی کاول " بیمه اجباری
مسئولیت زیست محیطی" در بوکن H و ریک
باست، دی (eds)، بیمه آسیب زیست محیطی، ۳۳۰
-۳۱۷ و مونتی. آ " ریسک زیست محیطی، آ- قانون
مقایسه ای و نگاه اقتصاد به بیمه و مسئولیت" بررسی
اروپایی قانون خصوصی، ۲۰۰۱، ۶۵ مورد بررسی
قرار گرفته است.

۵۳- برخی مباحث که مسئولیت مالی اجباری به
اجرای اصل احتیاطی با اطمینان دادن به در دسترس
بودن منابع برای مواجهه با هزینه های آسیب زیست
محیطی کمک می کند، مانند ریچارد، بی. جی "

۵۷- کوسی، اج " پیشرفت های اخیر در بیمه زیست محیطی " و در آبراهام، اف، دکترین، کی. و استایک، جی (eds) منتال، لوس- لیف، کلاور، ۱۹۹۷، ۳۹.

۵۸- به " مقاله واگنر، جی صفحات ۲۴۹-۲۶۰ سال ۱۹۹۱ و مقاله سال ۱۹۹۲ صفحات ۲۶۱-۲۷۲ این محقق رجوع شود.

۵۹- این نکته در مقاله سبز صفحه ۱۳ آمده است. همچنین به مقاله فرانسوی روزه، جی لیس آشورانی ان متیر دی انوایرو منتال، لوس- لیف- قلاور صفحه ۴۰ سال ۱۹۹۷ مراجعه شود.

۶۰- سومونتی، آ " ریسک زیست محیطی " نگاه مقایسه ای قانون و اقتصاد به مسئولیت و بیمه " بررسی اروپایی قانون خصوصی، سال ۲۰۰۱ ص.

۶۱- به مقاله فرانسوی روزه، جی که در بالا ترجمه شده، مراجعه شود ص ۳۸-۱۹۹۷

واژگان کلیدی:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان بلع علوم انسانی

ریسک زیست محیطی، بیمه آسیب زیست محیطی، بیمه مسئولیت

منبع:

Michael Faure, Metro Universiteit

Maastricht 2000.